



مرکز مدیریت حوزه علمیه قم

معاونت آموزش

مدیریت امتحانات

بسمه تعالی

امتحانات پایان سال - خرداد ۱۳۸۸

پاسخنامه

پایه :	۳	موضوع :	نحو ۵
تاریخ :	۸۸/۳/۲۸	ساعت :	۸

نام کتاب: مغنی الأديب، باب رابع

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی:

۱. طبق نظر ابن هشام کدام یک از مثال‌های «فی الدار زیدٌ وعمروُ الحجرة» و «فی الدار زیدٌ والحجرة عمروُ» صحیح است؟ ب ۷۹
 ا. اولی صحیح دومی ممتنع ☐ ب. اولی ممتنع دومی صحیح ☒ ج. هر دو صحیح ☐ د. هر دو ممتنع ☐
۲. قال الزمخشري في «جعل الله الكعبة البيت الحرام» إن «البيت الحرام» ج ۵۶
 ا. بدل ☐ ب. عطف بیان علی جهة التوضیح ☐
 ج. عطف بیان علی جهة المدح ☒ د. مفعول ثانٍ لقوله جعل ☐
۳. عطف «أخيه» بر محلّ «زیداً» در مثال «هذا ضاربٌ زیداً وأخيه» جایز نمی‌باشد، زیرا ج ۷۱
 ا. لعدم وجود المحرز ☐ ب. لعدم امکان ظهوره فی الفصحیح ☐
 ج. لأن الوصف المستوفی لشروط العمل، الاصل اعماله لا اضافته ☒ د. لعدم جواز صحة دخول ذلك العامل ☐
۴. نوع اضافه در آیات «هدیاً بالغ الکعبة» و «ثانی عطفه» و «مالک يوم الدين» به ترتیب عبارت است از د ۹۱
 ا. اضافه محضه - اضافه معنوی - اضافه لفظی ☐ ب. اضافه لفظی - اضافه لفظی - اضافه لفظی ☐
 ج. اضافه لفظی - اضافه معنوی - اضافه معنوی ☐ د. اضافه لفظی - اضافه لفظی - اضافه محضه ☒

تشریحی:

* «أما تجویز الزجاج فی قراءة ابن عامر «أو لم تكن لهم آية أن يعلمه» بتأنيث «تكن» و رفع «آية» كـون «آية» اسمها و «أن يعلمه» خبرها فردوه لما ذكرنا و اعتذر له بأن النكرة قد تُخصّصت بـ«لهم»». ۵۴

۱. متعلّق «بتأنيث» و نقش ترکیبی «کون»، «اسمها» و «خبرها» را بنویسید. و عبارت «واعتذر له» جواب از چه اشکالی است؟
 بتأنيث متعلق به قرائت؛ «کون» مفعول تجویز؛ «اسمها» خبر کون و «خبرها» عطف بر اسمها می‌باشد. (هر کدام ۰/۲۵ نمره)
 اگر آیه اسم کان باشد در این صورت نکره اسم (مبتداء) واقع شده که در جواب می‌فرمایند آیه با لهم تخصیص خورده و نکره مسوغ دار می‌باشد.

* در فرق اسم فاعل و صفت مشبّهه: «الخامس ان معموله سببياً و اجنبياً و لا يكون معمولها الا سببياً». ۵۹

۲. ا. مراد از اجنبی چیست؟ با مثال توضیح دهید.
 مراد از اجنبی این است که معمول اسم فاعل خالی از ضمیری باشد که بماقبلش برگردد. مثل
 زیدٌ ضاربٌ عمرًا.

ب. چرا مثال «زید حسن عمرًا» ممتنع و «زید حسن الوجه» صحیح است؟

چون مثال زید حسن عمرًا خالی از ضمیر است و اجنبی است به خلاف زید حسن الوجه که الف و لام نیابت از ضمیر کرده و یا ضمیر در تقدیر است و معمول آن سببی است.

۳. نقش ترکیبی اسماء شرط و استفهام را در مثال‌های زیر بنویسید: ۶۵

- ا. این تذهبون: ج. این منصوب است بنا بر ظرفیت.
ب. مَنْ رایت اخاه: ج. مَنْ مبتداء و یا منصوب مفعول فعل محذوف از باب اشتغال
ج. مَنْ یضلل الله فلا هادی له: ج. مَنْ - مبتداء
د. فَأیَّ آیات الله تنکرون: ج. منصوب، مفعول به

۴. مسوغ ابتدا به نکره را در مثال‌های زیر بنویسید: ۶۷

- ا. و أَجَلَ مُسَمًی عنده: ج. موصوف لفظاً
ب. أمر بمعروف صدقة: ج. نكرة عامله
ج. طاعة و قول معروف خیرٌ مِنْ صدقة ... : ج. عطف بشرط کون المعطوف علیه له المسوغ
د. قصدک غلامه رجلٌ: ج. أَنْ یكون خبرها جملةً

* در بحث مسوغات ابتدا به نکره: فی نحو «ما قائم الزیدان» مسوغان. و اما منع الجمهور لنحو «قائم الزیدان فلیس لانه لامسوغ فیه للابتدا بل اما لفوات شرط العمل او لفوات شرط الاكتفاء بالفاعل عن الخبر» ۶۹
۵. متن فوق را کاملاً توضیح دهید.

در مثال ما قائم الزیدان قائم مبتداء است و دارای دو مسوغ یکی عامل بودن و دیگری وقوع بعد از نفی، ولی مثال قائم الزیدان نزد جمهور ممتنع است چون مسوغ ندارد و شرط عمل فوت شده و یا شرایط مبتداء وصفی فوت شد چون یکی از شرایط عمل تقدم نفی یا استفهام است.

۶. آیا عطف در هر یک از جملات زیر صحیح است؟ چرا؟ ۷۰

- ا. ماجائنی من امرأة و لازید: ج. خیر چون مِنْ زائده در معرفه عمل نمی‌کند.
ب. لیس زید بقائم و لا قاعداً: ج. بله چون عطف بر محل است.

۷. فوائد ضمیر فصل را نام ببرید. آنها را در آیه «اولئک هم المفلحون» توضیح دهید. ۸۴

۱. اعلام از اول امر به این که ما بعدش خبر است نه تابع. ۲. توکید. ۳. اختصاص.
آیه دلالت می‌کند که مابعدش خبر است نه صفت و تأکید و منحصر می‌کند خبر را در مبتداء که فقط آنها رستگارند.

* «السابع اسقاط الجار توسعاً و لا یحذف الجار قیاساً الا مع «ان» و «أن» و محل ان و أن و صلتها بعد حذف الجار نصب عند الخلیل». ۹۸

۸. متن فوق را توضیح داده و برای اسقاط جار مثالی بزنید.

فعل لازم متعدی می‌شود با اسقاط حرف جرّ از باب توسع و این حذف حرف جارّ قیاسی است با أن و أن فقط مثل عجت أنک قائم که در این صورت محل أن و صله‌اش نصب است.

۹. چهار مورد از مواردی را که فعل لازم به وسیله آنها متعدی می‌شود، همراه با مثال نام ببرید.

۱. همزه باب افعال: أذهبتم طیباتکم. ۲. الف مفاعله: باعدت زیداً. ۳. تضعیف عین الفعل: فرّحت زیداً. ۴. باب استفعال. ۵. تضمین. ۶. منصوب بنزع خافض (اسقاط حرف جرّ): إهدنا الصراط المستقیم.